

Re-examining the Opinions of Master Marafet and Seyyed Outb with the Approach of the Quran and Social Reality *

Ali Karimpoor qaramaleki**
Syedeh Masomeh Shahmiri***

Abstract

Social interpretation is one of the most important and influential trends in contemporary exegesis. Its central focus shifts scholars' perspectives from an individual to a social approach. Social interpretation aims to provide solutions that address society's material and spiritual pains through Quranic verses. The comprehensive interpretation of the late Professor Marafet's work covers various topics within the human sciences, including social issues, under the title "Societal Debates." Sayyid Qutb's comments on certain verses also reflect his engagement with social matters. This research aims to identify the similarities and differences in social perspectives between the professor and the late Sayyid Qutb. The findings highlight significant intellectual similarities and correlations between these two commentators using the descriptive-analytical method, focusing on in-text citations. However, differences in their approaches to interpreting social verses of the Quran are also evident, which can be attributed to their distinct ways of thinking.

Keyword: Knowledge, Seyyed Qutb, Social interpretation, Social orientation

* Received: 2024-05-20

Revised: 2024-07-09

Accepted: 2024-07-24

** Assistant Professor of Department of Quranic and Hadith Sciences of Al-Mustafa International University. Qom, Iran. (The Corresponding Author) Email: karimpooral@yahoo.com

*** Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Bint Al-Huda Higher Education Complex, Qom, Iran. Email: mshahmiri@yahoo.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

دو فصلنامه تفسیر پژوهی اثری
سال یازدهم، جلد دوم، پیاپی ۲۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳
صفحات ۶۷-۴۱

DOI: 10.22049/quran.2025.29744.1444

مقاله علمی - پژوهشی

بازکاوی آرای استاد معرفت و سید قطب در مورد تفسیر اجتماعی*

علی کریم پور قراملکی**

سیده معصومه شاهمیری***

چکیده

تفسیر اجتماعی، در صد سال اخیر بر اثر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گرایش‌های تفسیری به شمار می‌آید. نقطه تمرکز این گرایش، تحول اندیشه مفسران از دیدگاه فردی، به رویکرد اجتماعی آیات است. رویکرد در تفسیر اجتماعی، ارائه راه‌حلی از آیات قرآن برای علاج دردهای مادی و معنوی جامعه است. در تفسیر اثری جامع مرحوم استاد معرفت، موضوعات مختلف علوم انسانی، از جمله مسائل جامعه در لابه‌لای تفاسیر برخی آیات دیده می‌شود. همان‌طوری که نظرات سید قطب در تفسیر برخی از آیات، شامل اشاراتی بر امور اجتماعی نیز هست. یافتن نقاط مشترک و متفاوت دیدگاه‌های اجتماعی میان استاد و مرحوم سید قطب، هدف این پژوهش است. یافته‌های این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی به همراه شیوه درون‌متنی، معطوف به این حقیقت مهم است که رویکرد اجتماعی استاد معرفت و سید قطب، در توجه به مسائلی مانند: رمز بالندگی جامعه اسلامی، توجه به بنیان‌های تمدن اسلامی، تحقق جامعه مدنی با ایجاد جامعه دینی، ملاک ارزشمندی، تحول‌پذیری جامعه و دفاعی بودن جهاد در اسلام اشتراک نظر دارند. در عین حال، نقاط متفاوتی هم بین آن دو، قابل ملاحظه است که به نوع فکر آن دو، در تفسیر آیات اجتماعی قرآن برمی‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر اجتماعی، گرایش اجتماعی، سید قطب، معرفت، جامعه

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳
** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم قرآن دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).
karimpoorali@yahoo.com ایمیل:
*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، قم، ایران. ایمیل:
mshahmiry@yahoo.com



۱- بیان مسئله

به منظور پاسخ‌گویی به مشکلات فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، متفکر بزرگ اسلام سیدجمال الدین اسدآبادی، شعار بازگشت به سوی قرآن را به طور جدی در سطح جهان اسلام مطرح کرد. (موتقی، ۱۳۷۳: ۴۱) ایشان، پایه و اساس تمام بدبختی‌های جوامع اسلامی را، غربت و محجوریت قرآن برشمرد. محمد عبده، از شاگردان وی و رشید رضا شاگرد عبده و همچنین، سید قطب با الگوبرداری و محوریت این شعار، تفسیر قرآن با گرایش اجتماعی را پیش بردند. (موتقی، ۱۳۸۰: ۴۰) مرحوم استاد معرفت نیز، از مفسران معاصر در تفسیر اثری جامع، به نقد و ایراد از برداشت‌های تفسیری و نقطه نظرات آنان مفسرین برجسته این گرایش از جمله رشید رضا و سید قطب با نقل آراء ایشان پرداخته است. در این نوشتار، سعی می‌شود ابعاد مذکور با توجه به نظرات استاد معرفت مورد بررسی قرار بگیرند.

۲- پیشینه مسئله

درباره نظرات تفسیری استاد معرفت و سید قطب و روش‌های آن دو، از ناحیه محققان قرآن‌پژوه، آثار مختلف، اعم از کتاب، رساله و مقاله به رشته تحریر درآمده است که عبارت‌اند از:

- «تبیین نظریه علامه معرفت در رابطه قرآن و واقع اجتماع»، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲ آذرماه ۱۳۹۶.

- «کارکرد تفسیر اجتماعی با تأکید بر آرای مفسران شیعه»، نوشته مریم محبی‌پور و دیگران، نشریه مطالعات قرآنی و فرهنگ شیعه، دوره ۶، شماره ۳، مهر ۱۴۰۱، صص ۱۳۷-۱۶۱.

- «واکاوی مفهوم عدالت اجتماعی در اندیشه سید قطب» نوشته شهلا داراب پور و جواد هروی، نشریه پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۳.
- «آزادی اجتماعی از منظر محمد عبده، سید قطب و علامه طباطبایی»، نوشته یحیی بوذری‌نژاد، نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ش ۴۶، بهار ۱۴۰۲.
- اما در خصوص مقایسه دیدگاه‌های اجتماعی آنان با رویکرد تفسیری، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. امتیاز نوشتار کنونی، تمرکز در مقایسه تطبیقی نظرات اجتماعی استاد معرفت و سید قطب با رویکرد تفسیری است که در آثار محققان قابل مشاهده نیست.

۳- مفهوم‌شناسی

۳-۱. تفسیر اجتماعی

حاکمیت طاغوت‌ها بر جوامع اسلامی، وضع نابسامان زندگی مردم و مظلومیت عدالت‌خواهان در حدود دو قرن پیش، نهضت‌های اجتماعی بویژه نهضت اصلاحات دینی را در جای‌جای ممالک اسلامی رقم زد به طوری که حتی فقه مسلمانان را پویا کرده و ضمن بیان تکالیف فردی، به تبیین احکام اجتماعی کشاند. به عنوان نمونه، شهید صدر در مقاله «الاتجاهات المستقبلية لحركة الاجتهاد»، ضمن بیان سیر اجتهاد در میان شیعه، معتقد است که اجتهاد مجتهدین در گذشته، بیشتر به عرصه‌های فردی نظر داشته‌اند تا جامعه اسلامی. (صدر، ۱۴۰۳: ۸۴-۷۳)

قرآن کریم، با نگاه جامع و برنامه دقیق، مشتمل بر یک سلسله احکام اجتماعی و احکام فردی است که بخش فردی آن نیز، با اجتماع ارتباط دارد. تفسیر اجتماعی قرآن که مبتنی بر نیازهای روز جامعه است، تا حد زیادی از شیوه‌های اسلاف و نقیصه

خود فاصله گرفته تا بر اساس یافته‌هایی از قرآن، به مباحث مورد نیاز جامعه و حل مشکلات جمعی آن بپردازد. (نفیسی، ۱۳۹۳: ۴۴-۶۴)

به عنوان نمونه، دکتر ذهبی در تعریف تفسیر اجتماعی قرآن می‌نویسد: «تفسیر اجتماعی قرآن، انطباق نص قرآن است با آنچه از سنت‌های اجتماعی و نظم عمران در جامعه موجود است» (ذهبی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۴۰۱).

مرحوم استاد معرفت هم، تفسیر اجتماعی قرآن را چنین تبیین می‌کند: «این نهضت ادبی - اجتماعی با تلاش و کوشش فراوانی در راه تفسیر قرآن و تقریب آن به فهم همگان و انطباق آن با واقعیات موجود آغاز شده و امتیازات آن، این است که رنگی نو به خود گرفته، با چهره فرهنگ و ادب معاصر و با پرداختن به مسائل جامعه درخشیده است و هرگز به مسائل ظاهری و خسته‌کننده که موجب دوری از قرآن می‌شود، به صورت تقلیدی نپرداخته است. این تفسیر، پدیده‌ای نوظهور است که نخست به اظهار دقایق تعبیر قرآنی و سپس بیان آنها با اسلوبی زیبا و ادبی و تطبیق آنها با هستی و حیات و سنن اجتماعی موجود در جامعه پرداخته است» (معرفت، ۱۴۲۶، ج ۲: ۱۰۰۸)

به نظر برخی از قرآن‌پژوهان، تفسیر اجتماعی، تفسیر اصول، قوانین و احکام اجتماعی مستنبط از قرآن است. مفسر اجتماعی با درکی جامع از نیازهای وجودی فردی و اجتماعی، در پی کشف مفاد سنت‌ها و ارائه راه حل مشکلات است. (ایازی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۱؛ حسینی میر صفی، ۱۳۹۲: ۱۵۰-۵۰)

از تعاریف فوق، معلوم می‌شود که در تفسیر اجتماعی، استنباط قوانین اجتماعی قرآن و حل مشکلات جمعی جوامع، از طریق ارجاع آن قوانین به قرآن کریم پی‌گیری می‌شود.

در دوره معاصر، سید جمال‌الدین اسدآبادی از پیشگامان نهضت اصلاح‌گرا با شعار بازگشت به قرآن، تلاش فراوانی برای احیا و نگارش جدید تفسیر قرآن با توجه به نیازهای اجتماعی و سیاسی مسلمانان (گرایش اجتماعی) نمود. (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۲) وی که استبداد داخلی و استعمار خارجی را، بزرگ‌ترین درد جامعه اسلامی می‌دانست درمان را، در بازگشت به اسلام ناب و بکارگیری آموزه‌های اجتماعی قرآن، معرفی کرد و تمام تلاش خود را در این راه به کار بست. محمد عبده از شاگردان وی، نخستین پیشوای تفسیر با گرایش اجتماعی بود که اساس و بنیان عظیم آن را پی افکند و پس از چند قرن باب اجتهاد با صبغة اجتماعی را در تفسیر گشود. (عمّاره، ۱۹۸۰: ۱۲۳) ایشان، روش تقلید از گذشتگان را کنار نهاد و به تحقیق عقلی و آزادی نقد رونق بخشید. بعد از او نیز شاگردان بزرگش، مانند رشید رضا، شیخ محمد قاسمی، مراغی و پس از آنان، علمای دیگری مانند سید قطب، جواد مغنیه، سید محمدحسین فضل‌الله و سید محمدتقی مدرسی و دیگران بر همین منوال و سبک حرکت کردند هر چند بر اساس نظر استاد معرفت، علامه طباطبایی بر همه مفسران گذشته در تفسیر اجتماعی برتری یافته و گوی سبقت از همگان در این زمینه ربود. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۲: ۱۰۱۱)

۳-۲. مؤلفه‌های تفسیر اجتماعی

تفسیر اجتماعی به نوبه خود، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مهمی دارد که در اینجا، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف- نگاه جامع‌گرایانه بر پایه جامعیت و شمولیت قرآن، مبنای مهمی است که از آن، اصالت قرآن نسبت به دیگر مصادر تشریع اصطیاد گردید. (شرقاوی، ۱۹۷۲: ۸۹-۹۸؛ رشید رضا، بی‌تا، ج ۵: ۱۲۰؛ نفیسی، ۱۳۷۹: ۲۰ و ۱۰۸)

ب- نقش برجسته عقل و اجتهاد، مبنای دیگری بود که مفسران بر اساس آن، انکار و نکوهش تقلید در تفسیر (رشید رضا، بی تا، ج ۱: ۱۱) و کاستن از شأن و حجم تفسیر مأثور (ذهبی، ۱۹۷۶، ج ۲: ۵۴۸) و نگاه انتقادی به اسرائیلیات و پرهیز از وارد کردن آنها در تفسیر را سرلوحه کار خود قرار دادند. (رومی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۹۸)

ج- تاکید بر هدایت‌گری قرآن و محوریت یافتن اندیشه هدایت‌گری قرآن، مبنای دیگری است که توجه به اصلاحات اجتماعی در تفسیر (رشید رضا، تفسیر القرآن الکریم، بی تا، ج ۱: ۱۹ و ۱۷) و کارآمدی قرآن در حل مشکلات اجتماعی و طرح موضوعات کارآمد و تغییر نگاه به آیات قصص را به دنبال داشت. (شریف، ۱۳۷۲: ۱۹۶ و ۲۰۰؛ رومی، ۱۹۸۶: ۷۷۷/۲؛ قطب، ۱۴۰۰، ج ۴: ۱۳۴)

د- ساده‌نویسی و ساده‌سازی تفسیر، مبنای چهارمی است که مفسران بر پایه آن، دور نمودن تفسیر از اصطلاحات علوم خاص و مباحث ادبی، فقهی و کلامی را تعقیب نمودند. (معرفت، ۱۴۲۶، ج ۲: ۱۰۰۸-۱۰۰۹؛ ذهبی، ۱۹۷۶، ج ۲: ۵۵۴)

۴- بررسی نقاط مشترک استاد معرفت و سید قطب در اندیشه‌های اجتماعی قرآنی

با مطالعه اثر ماندگار قرآنی استاد معرفت و اشارات ایشان به نظرات سید قطب در کنار رجوع به خود تفسیر «فی ضلال القرآن» سید قطب، می‌توان برخی از دیدگاه‌های اجتماعی هر دو متفکر را استنباط نمود که برخی از آنها، به شرح ذیل است:

۴-۱. بالندگی جامعه بشری در سایه توجه به روح انسانیت

استاد معرفت، در آیات آغازین سوره بقره و سپس در بسیاری از آیات دیگر، به دو اثر مهم انفاق؛ یعنی تطهیر نفس از امثال بخل و آراستن آن با پاکی‌ها و زنده نمودن روح تعاون در زندگی انسان اشاره می‌نماید. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۲: ۵۲)

به همین سبب، ایشان در ذیل آیات ۷ سورة منافقون، ۳۸ سورة محمد، ۱۰ سورة حدید و ... با اشاره به یکی از مهم‌ترین ادله تأکید و تأیید فراوان بر اتفاق در راه خدا را، تأمین نیازهای جامعه و نظام حکومت اسلامی و سیاسی و انقلاب و اقتصاد و نهایتاً تنظیم سایر شئون دولت در اداره و حفظ جامعه اسلامی، بیان می‌کند که در صورت عدم این امر مهم، جامعه با انحطاط و سقوط مواجه شده و این امری است که به کل امت اسلامی برگشته که هم خود را نابود و هم از جذب دیگران عاجز می‌گردند و این یکی از مصادیق آیه ولا تلقوا به ایدیکم الی تهلکه... می‌شود. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۶: ۳۶۵-۴۲۴)

از منظر سید قطب هم، اتفاق در جامعه، مرز میان مرتبة حیوانیت و حواس ظاهری آحاد جامعه با حدّ والای انسانیت است که سبب درک وجود اکبر و جدا شدن از محیط محدود فردی و گره خوردن با بی‌نهایت می‌شود. در مقابل مادی‌گرایانی که همواره انسان را، به قهقرا و به عالم بهیمیت سوق داده است. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۴)

از مقایسه نظرات این دو قرآن‌پژوه، معلوم می‌شود که از منظر هر دو، مقوله اتفاق و عدالت‌پروری، روح انسان را از رذائل اخلاقی همانند بخل، بی‌توجهی به مستمندان جامعه و مادی‌گرایی رهایی می‌بخشد و از طرفی، رابطه او را با انسان‌های دیگر افزایش داده و آنها را به هم پیوند می‌زند. هر چند سید قطب به ابعاد آثار اتفاق در بعد مرتبط نمودن انسان به خداوند هم توجه اساسی دارد. در مقابل، استاد معرفت هم به ضرورت اصلاح نظام اقتصادی جامعه به واسطه نهادینه شدن مقوله اتفاق و دوری مردم از ربا، نگاه ویژه‌ای می‌نماید. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۶: ۵۰۰) در حالی که سید قطب، از این نکته مهم غفلت دارد.

۴-۲. توجه به بنیان‌های تمدن نوین اسلامی

یکی از شاخصه‌های تفسیر اجتماعی، نگاه جامعه‌ساز و تمدنی به آموزه‌های قرآن کریم است. بی‌شک هر مفسر با زاویه دید خاصی به معارف قرآن می‌نگرد و همین

زاویه، نقش تعیین‌کننده‌ای در گرایش تفسیری او دارد؛ مفسری که از زاویه کلامی به آیات نگاه می‌کند، گرایش کلامی دارد و مفسری که با دیدی ادبی، عرفانی، فلسفی و ... به قرآن نظر می‌کند، متناسب با همان نگاه، گرایش خاص خود را خواهد داشت. یک مفسر اجتماعی دغدغه جامعه‌سازی دارد. از این رو، آیات قرآن را به عنوان قانون اساسی و برنامه بنیادی برای ایجاد تمدن اسلامی تفسیر می‌کند. نگاهی که در آثار مفسران اجتماعی معاصر، فراوان دیده می‌شود؛ از جمله امام خمینی و نیز آیت‌الله خامنه‌ای (ر.ک: علوی مهر، ۱۴۰۰، ج ۱۰: ۴۱)

بدون شک، ارائه و شکل‌گیری تمدن جدید اسلامی از طریق بنیان‌ها و اصول خاصی صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، مانعیت عادت‌های جاهلی در رشد جامعه، یکی از آنهاست که هر دو متفکر، به صورت مشترک، به آن توجه نشان داده‌اند.

عادت‌های منفی، در ابتدا همانند تارهای نازکی است که به دور انسان تنیده می‌شوند و به مرور زمان، به قدری تنومند گشته که به سختی، توان رهایی از آنها ممکن می‌شود. مفسرین اجتماعی، عادت‌های فردی و اجتماعی باطل و جاهلانه بشریت را برشمرده و زیبایی مبارزه همه‌جانبه اسلام و قرآن را با این عادات به تصویر کشیده‌اند. هر چند که این مبارزه نفس‌گیر با عادات جاهلیت با پیروزی اسلام خاتمه یافت اما قرآن عزیز از بروز و ظهور جاهلیت مدرن، به اشکال مختلف در نسل‌ها و جوامع گوناگون آینده خبر داده که به شدت باید مراقب بود.

به عنوان نمونه، به عقیده سید قطب، سورة ممتحنه در سلسله تربیت ایمانی و نظام اجتماعی و دولت در جامعه اسلامی مدینه است. حلقه‌ای از آن زنجیره طولانی و برنامه برگزیده الهی برای مسلمانان برگزیده‌ای که خدا تحقق برنامه حیات انسانی در شکل واقعی و عملی خود را به ایشان وابسته کرده است، تا در زمین به شکل سیستمی

و نظامی استقرار پیدا کند و دارای نشانه‌ها، حدود و شخصیت متمایز باشد، که گاهی بشر بتواند بدان دست پیدا کند و زمانی نتواند؛ که این مهم به تلاش آنان واگذار شده است (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶: ۳۵۳۶).

سید قطب این سوره را، حلقه‌ای از زنجیره آن آماده‌سازی دور و دراز دانسته و می‌نویسد: «این سوره همانند دیگر سوره‌های هم‌موضوع خود، به هدف اقامه جهان ربانی و خالص در نهاد مسلمان نازل شده است؛ جهانی که محور آن، ایمان به خدای یگانه است و مسلمانان را تنها بدین محور استوار می‌کند و جان‌شان را از هرگونه تعصب قومی، نژادی، زمینی، عشیره‌ای و قبیله‌ای پاک می‌سازد تا همگی در سایه توحید و ایمان به خدا و زیر پرچم الهی و حزب‌الله پایبند باشند.» (همان: ج ۶: ۳۵۳۷). به نظر ایشان، جهانی که اسلام می‌خواهد، جهانی «ربانی و انسانی» است. «ربانی» یعنی اساس همه کارهایش از برنامه‌های حکیمانه الهی سرچشمه گیرد و «انسانی» یعنی شامل همه انسان‌ها با معیار عقیده شود و تمایزات دیگر - مانند جنس، وطن، زبان، نسبت و ... - در آن ذوب شود و تنها عقیده و ایمان مایه تفاوت انسان‌ها شود. این همان عالم بلند و شایسته‌ای است که انسان کریم که روح الهی در او دمیده شده، در آن زندگی می‌کند (همان).

نمونه دیگر، توجه به مقوله کوبیدن و سرکوب کردن کارهای ناسنجیده در قرآن از جانب استاد معرفت است. همان‌گونه که دل‌های آرام، مجذوب قرآن می‌شوند، انسان‌های ناسپاس و روان‌پریش نیز، از آن گریزان بوده و هستند. استاد معرفت، با عنوان «قرعات و قمعات» از این دست کسان، همچون: امیه بن خلف، عاص بن وائل، نضر بن حارث و جبیر بن مطعم و آیاتی که در کوبیدن آنان نازل شده، درباره این افراد سخن می‌گوید. (معرفت، ۱۴۲۸، ج ۴: ۲۰۳-۲۰۹) همین‌طور، استاد معرفت، فخر فروشی‌ها

و رقابت‌های صورت گرفته در سال نهم هجری که هیئتی از اشراف بنی تمیم نزد پیامبر (ص) آمدند و با پاسخ ثابت بن قیس و حسان بن ثابت مواجه گردیدند، تحت عنوان «مفاحرات و مساجلات» بازگو می‌نمایند. (معرفت، ۱۴۲۸، ج ۴: ۲۲۳-۲۲۶)

نمونه سوم، محرومیت زنان جامعه در ابعاد مختلف حیات فردی و جمعی است. در عصر جاهلیت، از دیگر عادات عرب‌ها، وارث شدن اولاد ذکور بر تمام اموال میت و محروم کردن اناث از ارث بود و حتی در صورت نداشتن اولاد ذکور مال میت را به دیگر ارقاب ذکور به ترتیب اولویت عمو، پسرعمو یا پسرعمه می‌دادند. از دیگر رسوم این بود که در اکثر مواقع، شخص میت، کل یا مقداری از مال خود را به یکی از اولاد و یا نزدیکان و یا دوستانش وصیت و بقیه را محروم می‌ساخت. استاد معرفت به نقل از ابن آشور می‌گوید: «مسلمانان، وقتی به مدینه آمدند و حکومت تشکیل دادند کانون ارث تشریع شد و زنان را، شریک در ما ترک قرار داد». (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۴: ۴۳۲)

البته، عادات جاهلی، مختص مصادیق زمان جاهلیت نیست. جاهلیت مدرن هم از عادات‌هایی تشکیل شده که تنها در رنگ و چهره، با آن عادات گذشته تفاوت پیدا کرده است. برداشت‌های مادی‌گرایانه و ابزارگونه از مفاهیم انسانی همچون: آزادی، عدالت، حقوق و غیره از جمله آنها به شمار می‌آیند.

۳-۴. تحقق واقعی جامعه مدنی با جامعه دینی

جامعه مدنی یا جامعه شهروندان، جامعه‌ای است که در وهله اول اندیشه انسان و در وهله دوم قانون در آن، محترم شناخته شده باشد. کسی، انسان را برای اعتقاد مجبور ننماید. حقایق برای او وارونه، نشان داده نشود و در فکر و اندیشه وی، اجباری صورت نگیرد. (حسین بشیری، ۱۳۷۴: ۲۳۳)

از دیدگاه استاد معرفت، اسلام پیشرفته‌ترین دیدگاه تصور وجود و حیات را برای انسان ارائه می‌دهد و بهترین روش را برای جامعه اسلامی بیان می‌کند. جمله «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...» مردم و جامعه را با اختیارشان به دین دعوت می‌کند و کسی را مجبور به قبول دین نمی‌کند؛ چرا که دین با طبیعت و فطرت ذاتی انسان‌ها سازگار بوده و آنچه که با اصل وجود انسان و نیازهای وی، هم‌خوانی داشته باشد امکان ندارد بر کسی تحمیل شود لکن در نهایت، آزادی انسان‌ها در ادامه آیه با جمله «... قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكُفِّرْ...» با تشویق به اختیار هدایت، راه برتر را نشان داده است؛ چرا که رشد را، در انتخاب دین، و کفر و نفاق را، غیّ معرفی می‌نماید. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۶: ۲۷۵)

سید قطب نیز، بر این باور است که آیه شریفه، با اعطای حریت اعتقادی به انسان در واقع، کرامت و شهروندی او را محترم شمرده است. زیرا آزاد دانستن انسان در باب اعتقاد، به معنای اعتبار انسانیت انسان است. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۹۲/۱)

از دیدگاه هر دو قرآن پژوه، معلوم می‌شود که جامعه مدنی، نه تنها با جامعه دینی در تضاد نیست بلکه با شکل‌گیری جامعه مدنی در جامعه دینی، می‌توان بهترین الگوی جامعه مدنی را به نمایش گذاشت.

۴-۴. نقش حوادث تاریخی در پیشرفت جامعه

توجه به آموزه‌های تاریخی و نگاه نقادانه، یکی از شاخصه‌های مهم در نزد مفسرین گرایش اجتماعی یا مفسرینی است که نظام اخلاقی و تربیت عبرت‌آموزی جوامع مختلف را مد نظر داشته‌اند. سید قطب، داستان بنی‌اسرائیل را یادآور جبهه‌های حق و باطل در طول تاریخ و حیات بشری انسان دانسته و تأکید دارد که توده مردم، باید از جایگاه و موقعیت بنی‌اسرائیل در راه سعادت و سلامت جامعه و خویشتن، موعظه و عبرت بگیرند. از طرف دیگر، جامعه اسلامی را متوجه خطر بزرگ اسرائیل کرده و

مسلمانان را از لغزش‌گاه‌هایی که امت‌های قبل، گرفتار آن شدند و خلافت الهی را از دست دادند، برحذر می‌دارد. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۵۲۵).

تأکید و توجه سید قطب در انتهای داستان عبرت انگیز بنی‌اسرائیل، بر موضع و عبرت‌های آشکار داستان این قوم نیز مشاهده می‌شود که بر شکستن عهد الهی بر سر منافع دنیا و مخالفت با اوامر الهی است که نتیجه آن، خروج از شکل و هیئت انسانی که همان نسخ شدن و نابودی است. ایشان، نکته قابل توجه آن برای امت اسلام را، بیانگر حکمت الهی در امر چاره‌جویی امت اسلامی و پرورش و آمادگی آن برای به دست گرفتن زمام جانشینی سترگ دانسته است. (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۱: ۸۳-۸۱).

داستان هاروت و ماروت، از دیگر موضوعات تاریخی مورد توجه در تفسیر اثری جامع است که سحر و تأثیر آن بر جامعه و جدایی و سست شدن روابط زن و شوهر در خانواده را به تصویر می‌کشد.

سید قطب نیز، با اشاره به اثر مخرب سحر یا تعالیم شیاطین بر خانواده، تأثیر آن را هم در حواس و افکار و هم در اشیاء و اجسام ... صادق دانسته است؛ اگرچه سحری که قرآن، وقوع آن را بر دست ساحران فرعون بیان داشته، تنها جنبه تخیلی دارد. بدین ترتیب هیچ مانعی ندارد که چنین مسائلی، مایه جدایی میان زن و شوهر یا میان دو دوست باشد. زیرا انفعالات از تأثیرات سرچشمه می‌گیرند هر چند بدون شک وسایل، آثار و اسباب مسببات جز با اجازه خدا رخ نمی‌ماید و پدید نمی‌آید. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۱۳۰/۱-۱۲۹)

۴-۵. میزان در ارزش و اعتبار بخشی

آیت‌الله معرفت، اسلام را مبدع و طراح همه جانبه ارزش‌های اصیل و عمیق برای حیات بشری دانسته که با ارائه تصورات و نظام‌های جدید، افکار باطل و غلط جامعه

آن روز را درهم ریخته، ملاک و اساس ارزش فرد و جامعه را به میزان پرهیز و ترس از خداوند بیان کرده است. به عنوان مثال، اسلام با طرح موضوع مهم نیت در اعمال، برای تمام کارها حتی افکار بشر ارزش گذاری کرده است. اسلام، هرگز از مؤمنین نخواست که دنیا و امور آن را رها کنند و به آن بی توجه باشند، بلکه ایشان را برای خلافت در دنیا برگزیده است لکن با قصد قربت و نیت الهی کارهای دنیایی وی را هم ارزشمند دانسته و افق دید وی را بالا برده است. زیرا از منظر اسلام، دین برای آبادانی دنیا و آخرت آمده و آخرت، جلوة باطنی همین دنیاست و عمران آخرت، با سالم سازی انگیزه ها در دنیا امکان پذیر است. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۴: ۳۳۵)

سید قطب نیز، معتقد است که اولاً، قرآن برای اصلاح امور جامعه و حیات بشری، نسخه ای کامل داده است. ثانیاً، در جهان بینی بلند اسلام، دنیا و امور دنیوی مشکلی نداشته به شرطی که در جمیع امور دنیوی و اخروی، متوجه خدا باشیم. (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱: ۲۹۰)

طیب و کریمانه بودن زندگی، از مؤلفه های مهمی است که استاد معرفت بر اساس آیه ۱۶۸ سورة بقره: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام های شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست!»، در ارزش گذاری بدان توجه نشان می دهند. زیرا آیه شریفه، با موضوع بهره مندی هر چه بیشتر بشر از حیات در مدل های مختلف به شرط حلال و طیب بودن، تصویری روشن تر از حیات کریمانه بشر را ترسیم می کند و به قاعده عام هر آنچه را که خداوند، برای انسان در عالم خلق کرده حلال است مگر در صورتی که نهی آن از طرف شارع مقدس رسیده باشد، اشاره می کند. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۴: ۳۳۵)

از اینجا، معلوم می‌شود برجسته‌سازی آیات اجتماعی در محور ارزش، از جانب هر دو مفسر مغفول نمانده است. زیرا هر دو مفسر در محور ارزش و اعتبار، اسلام را دارای طرحی نو و قابل اعتماد و کاربردی برای جوامع بشر دانسته‌اند و هر گونه گرایش مادی و هدف‌گذاری منافع دنیوی و صرف لذات حیوانی، به جای پرداختن به ابعاد معنوی و ارتقاء روحی و انقطاع ما سوی الله، از مهم‌ترین نکات‌های حیات بشر و عامل نابودی جوامع معرفی کرده‌اند. بنابراین، محور ارزش و اعتبار از منظر هر دو مفسر برای جامعه، توجه به توحید و تقواورزی و دوری از غوطه‌وری در لجن‌زار مادیات صرف است.

۴-۶. اندیشه تحوّل‌پذیری در جامعه

به باور استاد معرفت، یکی از ادله‌ای که می‌تواند موافقت اسلام با هر نوع پیشرفت مثبت را نشان بدهد، مسئله نسخ در آیه ۱۰۶ سوره بقره: «انْسخُ مِنْ آيَةٍ اَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا اَوْ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ عَلَيَّ اَللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟!» است. (معرفت، ۱۳۸۱: ۲۵۰) پدیده‌ای که یهودیان و مشرکان و دیگر دشمنان اسلام می‌خواستند از آن سوء استفاده کنند در حالی که نشانه به‌روز بودن دین اسلام است. آنها بر مسلمانان ایراد می‌گرفتند که اگر شریعت و قوانین شما حق است. پس شریعت‌های قبل چه جایگاهی داشته و یا اگر تشریع سابق حق بوده احکام جدید چه مناسبتی داشته است؟. چرا برخی احکام شریعت اسلام تغییر می‌یابد؟ به عقیده استاد معرفت، همان‌طور که طبیب، برای هر یک از بیماران خود با توجه به حال آنها، نسخه‌ای جدا و مختص وی پیچیده و نیز با توجه به شرایط وی آن را

تغییر و دستور جدید می‌دهد. اسلام نیز، بنا بر مقتضیات زمان، شریعت‌های خاص را فرستاده که هر یک از آن تشریع‌ها، در ظرف زمان خود حق بوده و تشریع حال نیز در ظرف خود حق بوده و می‌تواند بنا بر همان کار طیب تغییر و تحول جدید را بشارت دهد. این مناسبات چه تغییر قبله و چه شامل موضوع دیگری باشد از تعدیل تشریعات و تکالیفی که تماماً رشد و نمو جامعه مسلمانان را در پی داشته لازم و مفید بوده و تغییرات جزئی برخی موضع‌ها بر وفق مقتضیات زمان حال، که پس از آن فترت نبوت بوده دلالت بر نقص و یا خطا بودن سایر شریعت‌ها ندارد. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۳: ۴۸۲)

از این رو، سازگاری با شرایط و وفق دادن با محیط، از مؤلفه‌های مهم ادیان الهی است. این مؤلفه، در دین شریف اسلام پررنگ‌تر بوده است. البته، تا آنجا که با اصول و مبانی دین و اصل فطرت ناسازگار و مخالف نباشد. اسلام عزیز با پذیرش اصل منطقه الفراغ دینی، جاودانه و پویا و قابل انطباق با شرایط مکان و زمان را تا قیامت برای بشریت رقم زده است. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۴: ۲۹۷)

سید قطب هم، با تعدیل جزئی دانستن حقیقت نسخ، بر این باور است که وفاق مقتضیات احوال، تغییرات جزئی برای مصلحت بشر و برای خیر کثیر نسبت به آنان از طرف خداوند سبحان صورت می‌گیرد. به همین سبب است که خداوند، معجزه مادی انبیاء گذشته را در زمان پیامبر گرامی اسلام (ص)، به معجزه معنوی و علمی تبدیل می‌نماید. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۰۲)

به عقیده سید قطب، آیه ۵۳ سورة انفال: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» این، به خاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند، شنوا و داناست»، بهترین شاهد بر تحول‌پذیری جامعه است؛

زیرا در آیه شریفه، کلمه قوم و اراده آنان آمده و تغییر نعمت نیز، به نوع قلوب، نیت‌ها، سلوک نظری و عملی و نیز اوضاع انتخابی از سوی خود جامعه منوط گشته است. (سید قطب، ۱۴۲۰، ج ۳: ۱۵۳۵)

۴-۷. دفاعی بودن جهاد اسلامی

عالمان دینی، مقوله دفاعی بودن جهاد برای جامعه را، اصل و پرورش روحیه جهاد را برای هر نسل انسان واجب می‌دانند؛ چرا که نظام سلطه استکباری برای نابودی این مؤلفه مهم اخلاقی و اجتماعی سرمایه گذاشته و به دنبال سلب و تضعیف امور فطری و ذاتی از بشر است. از منظر آنها، جهاد در باطن خود، حالت دفاعی دارد و هیچوقت در مقام حذف حیات، از بشر نیست بلکه در مقام حذف فکر باطل از زندگی فردی و جمعی بشر است. بنابراین، از مهم‌ترین حقوق بشریت، رسیدن تفکر دین مبین اسلام و آیین ارزشمند آن به گوش فرد انسان‌هاست که به دور از اعمال هر گونه سلطه، فشار و یا فتنه، شبهه، رعب و وحشت، در کمال آزادی حق انتخاب داشته باشند. ایجاد شرایط، توانایی، امکان انتخاب و گرایش به این امر فطری مهم در حیات افراد، مشروعیت جهاد در اسلام را تبیین می‌کند.

فلسفه جهاد در اسلام نیز، مستقر شدن نظام خاصی که همان نظام حریت و آزادی، نظام رفیع انسانیت، نظام احسن و وحدت در زمین است که اسلام نیز آن را تأیید می‌کند و حریت انسان را در عبودیت خدا دانسته است. حال با توجه به این مبانی اگر عده‌ای بخواهند مانع از حصول این حقوق اولیه و طبیعی افراد که متضمن سعادت آنهاست بشوند، اسلام بر جماعت مسلمین واجب کرده با آنان قتال نمایند. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۵: ۹۳-۹۲؛ همو، ج ۶: ۲۷۶)

به نظر نگارنده، به باور مرحوم استاد معرفت، مقوله دینداری نه از حقوق دینی افراد بلکه حق انسانی و زیرمجموعه مقولات حقوق انسانی است؛ چرا که شرک، مخرب فطرت بشر است. بنابراین، حفظ دین اهم و از مهم ترین حقوق انسانی مشروع است که از این حق فطری، دیگر حقوق از جمله جهاد که دفاع از حقوق انسان ها در میادین مختلف است ناشی می شود. فطرت، اقتضا می کند که توحید، اساس و بنای قوانین اجتماعی جامعه بوده و دفاع از این اصل؛ یعنی انتشار توحید بین مردم از حقوق انسانی باشد. بنابراین، هر جا که توحید نیست فطرت انسان ها حکم فرما نیست و دین خلاف فطرت، حاکمیت یافته است. پس، جهاد اسلامی در حقیقت، مقابله با مخالفت و توطئه های دشمنان دین در مقابله با دین و نورانیت است، لذا در اولین نوبت، این فاسدان و غیر صالحان هستند که با دیدن تزلزل در منابع مادی خود، به مقابله با دین می پردازند و اسلام هم، برای اینکه مخالفت و توطئه های آنها را خنثی و برطرف نماید، جهاد را به عنوان ابزار دفاعی از بقاء نور واجب و لازم دانسته است. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۵: ۹۱)

سید قطب نیز، با نگاه دفاعی به مقوله جهاد، آن را برای تحقق همین مبادی و اصول همگانی که فقط برای حصول اهداف والای انسانیت انجام می پذیرد و به هیچ هدف، نشانه و عنوان دیگری آغشته و آمیخته نمی گردد دانسته است. ایشان با این رویکرد، باور دارد که جهاد، در راه عقیده است و بس تا انسان، از محاصره و قید و بندهای درونی و بیرونی محفوظ شود و از فتنه ها و آشوب ها در امان بماند. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ص ۲۶۷-۲۶۸؛ عبده، ۱۳۴۱، ج ۳: ۳۶)

۴-۸. توجه به امتداد احکام و آموزه‌های دینی در جامعه امروزی

همان‌طور که بیان شد، سید قطب به تفسیر و پیوند آیات با حیات اجتماعی بشر پرداخته است. استاد معرفت نیز، ذیل مباحث اجتماعی در خلال تفسیر اثری آراء وی را بیان کرده و در مواضعی هم با دیده نقد، نظرات ایشان را منافی روح بلند اسلام دانسته و یا برداشت وی را با توجه به آیات دیگر و مباحث اعتقادی و مبانی دینی ناسازگار می‌شمارد؛ چرا که از منظر سید قطب، لزوم اعاده و بازگرداندن گذشته اصیل اسلامی به زمان حاضر ضروری است؛ یعنی باید حال حاضر را منقاد نص قرار دهیم و آنچه نصوص ما در گذشته بیان کرده‌اند باید در زمان حاضر نیز به تمامه پیاده کنیم. لکن در نظر استاد معرفت، اصیل بودن قرآن و روایات ما، به این معناست که باید آنها را تحدیث کنیم؛ یعنی بدون اینکه جمود و تعصب بر ظاهر نص داشته باشیم سعی کنیم نص را بر فائق آمدن بر نیازهای عصری و اصلی توانمند کنیم، لذا پیش‌فرض این رویکرد، توانمندسازی نصوص دینی است.

پس، استاد معرفت، امر برون‌رفت از جمود نسبت به ظاهر متن را اجتناب‌ناپذیر دانسته و به تبع آن، تأویل را هم اجتناب‌ناپذیر دانسته و آن را لازم می‌داند. از دید ایشان، باطن قرآن، معنای مخفی پنهان در پس ظاهر است که با عملیات روشمند قابل اصطیاد است. پیرایه‌هایی که اجتماع واقعی زمانه نزول تحمیل کرده، معنای ظاهری است ولی در حقیقت آیات، معنای فراعصری دارند که می‌توانند اقتضائات دوره‌های دیگر را هم تأمین کنند.

نوع نگاه به مبنا و پایه‌ریزی قصاص در جامعه اسلامی، از جمله آنهاست. با اینکه هر دو محقق قرآنی، وجود قصاص را در دین اسلام می‌پذیرند لکن در تبیین مبانی و اجرای آن، اختلاف نظر دارند که این اختلاف دیدگاه، گاهی منجر به نتایج نامقبول می‌گردد.

توضیح اینکه، در قبل از عصر نزول، عرب به قصاص و حکم اعدام قاتل معتقد بود لکن قصاص او، حد و مرزی نداشت بلکه به نیرومندی قبائل و ضعف آنها بستگی داشت و چه بسا یک قبیله، قبیله دیگر را به خاطر یک قتل به کلی نابود می‌کرد. دیگر ادیان، از جمله یهود نیز به قصاص معتقد بودند آیه ۴۵ سوره مائده، گواه این مطلب است. (هم چنان‌که در فصل بیست و یکم و بیست و دوم از سفر خروج و ... از تورات آمده است) با این تفاوت که در اسلام، خداوند بر مومنین منت گذاشت و با تشریع حکم دیه، عفو از عقوبت جانی مورد تخییر افراد قرار گرفت و حتی از بابت عطوفت، لفظ برادر را برای مجرم به کار برده، و از طرفی هم به ولی و جانی سفارش نمود که به اولیای دم، با احترام و امتنان و تمام و کمال، دیه را عطا کنند، چرا که تشریع حکم قصاص، تنها به خاطر انتقام و سیراب کردن کینه نیست، بلکه برای زندگی و حیات بالاتر است و مهم‌ترین و اولین عامل مؤثر در حیات، انسانیت و حفظ جامعه است؛ چرا که قصاص، بازدارنده نفوس در تعدی قتل است و ملاک در آن، تربیت عمومی و سد باب فساد است و جایگاه شریعت و دین، اجل از آن است. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۴: ۴۰۷)

سید قطب، تشریع قصاص را پاسخ درست اسلام به فطرت بشر می‌داند؛ چرا که غضب هنگام خونریزی، امری طبیعی است و اسلام این نیاز را با مقرر کردن این حکم پاسخ می‌دهد. از طرفی این حکم، عدل محکمی در پاسخ به سختی سینه‌ها و تنظیم حیات اجتماعی بشر و پیشگیری از تجاوز و تعدی جانی در جامعه است. اما در حین حال، عفو را هم با حدودش تعیین می‌کند و دعوت عفو بعد از تقریر قانون قصاص دعوت استجابی است و بر نفس، ما لا یطاق نمی‌گردد. لذا این حکم، افق وسیع اسلام در پاسخ به انگیزش‌های انسان و هیجان‌های نفس بشری و بلندای معرفت اسلام را می‌رساند. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۳۳)

در ادامه، سید قطب حکم عجیبی از آیه قصاص برداشت می‌کند که استاد معرفت، این حکم وی را، جداً عجیب و غریب و آن را، منافی با روح اسلام می‌شمارد. سید قطب، حکم قصاص را این‌گونه تشریح می‌کند: «هنگام تعدی خانواده‌ای بر خانواده دیگر و یا قبیله‌ای بر قبیله دیگر و یا جماعتی بر جماعت دیگر، هنگام اقامه قصاص اگر شخص حرّ بود، هر حرّی حتی غیر قاتل از طرف مقابل در برابر آن و یا عبد در برابرش عبدی دیگر و یا زن در مقابل زنی از طرف مقابل باید قصاص شود و ربطی به خود شخص مجرم و جنایتکار ندارد و فقط اینکه از طرف مقابل، فردی در مقابل فرد از دست رفته دیگری قصاص شود، کافی است هر چند فرد مجازات شده، کاملاً بی‌تقصیر و بی‌گناه بوده و اصلاً در ماجرا و تعدی نقشی نداشته باشد. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۳۴)

در حالی که استاد معرفت، معتقد است جایز دانستن این نوع قصاص که در مقابل کشته شدن فردی، اعم از حرّ یا غیر حرّ، یک نفر از گروه متجاوز کشته شده باشد، بر خلاف روح اسلامی است؛ چرا که اسلام، اجازه قصاص خود فرد قاتل را می‌دهد نه غیر او را. (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۴: ۴۰۶-۴۱۰) به همین سبب، خود محمد عبده نیز، در کتاب تفسیری خودش اشاره دارد بر اینکه آیه شریفه، هیچ وقت اجازه نمی‌دهد شخص غیرمجرم در مقابل هجده گروه متقابل کشته شده باشد؛ چرا که از نظر اسلام، تنها می‌توان خود آن قاتل را، محکوم به قصاص نمود. (رشید رضا، بی‌تا، ج ۲: ۱۲۶)

از بیانات استاد معرفت و سید قطب، معلوم می‌شود که نوع نگاه آن دو به فلسفه جعل قانون در جامعه، از جمله مسئله قصاص از هم متمایز است به دلیل اینکه در بیان استاد معرفت، فهم آیه و تفسیر قصاص بر اساس روح عدل الهی و عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد در حالی که در نگاه سید قطب، تنها رویکرد اجتماعی منهای لحاظ

وجود عدالت در اجتماع انجام می‌شود. از افکار استاد معرفت، برداشت می‌شود که فلسفه تجویز قصاص در جامعه اسلامی، برپایی عدالت اجتماعی در شکل کامل آن، در جامعه مسلمین است در حالی که بر اساس فکر سید قطب، جعل قانون بدون پایه‌ریزی آن بر عدالت هم امکان‌پذیر است.

به نظر نگارنده، تشریع و بیان همین نوع احکام از افرادی امثال سید قطب است که زمینه و محملی، برای تشکیل شاخه‌هایی از گروهک‌های تروریستی از جمله داعش و القاعده در کشورهای اسلامی فراهم می‌سازد.

۵- نتیجه

از آنچه بیان گردید، نتیجه گرفته می‌شود که گرایش تفسیر اجتماعی قرآن، ارزش‌دهی به ابعاد جمعی قرآن کریم است. این رویکرد، در سده‌های گذشته مغفول مانده بود ولی در سالیان معاصر، مورد توجه جدی مفسران قرار گرفته است. از جمله این قرآن‌پژوهان، استاد معرفت و سید قطب است. تشابهات متعددی، میان استاد معرفت و سید قطب در رابطه با مسائل اجتماعی در ذیل ارائه تفسیر آیات قرآن می‌توان رؤیت نمود که حاکی از اندیشه جامعه‌نگر و روحیه اصلاح‌گری در وجود هر دو شخصیت علمی است. به عنوان مثال، توجه به بنیان‌های قرآنی تمدن اسلامی در مقابل تمدن غربی، تحقق جامعه مدنی از طریق پایه‌ریزی جامعه دینی و ... بارزترین مؤلفه گرایش اجتماعی در تفسیر استاد معرفت و سید قطب می‌توان مشاهده نمود. در ضمن، تمایزات افکار اجتماعی و تفسیری ما بین استاد معرفت و سید قطب قابل اصطیاد است که به نوع نگاه آن دو، در رابطه با تفسیر و تأویل قرآن مربوط می‌شود. موردی مانند وجود قصاص به عنوان قانون اسلامی قابل مشاهده است.

کتابنامه

- قرآن کریم، (۱۳۸۲)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم.
- ابو زید، نصر حامد، (۱۳۸۱)، معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی نیا، نشر طرح نو، چاپ دوم، تهران.
- ایازی، سید محمدعلی، (۱۳۸۶)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، مرکز فرهنگ ارشاد اسلامی، تهران.
- _____، (۱۳۸۹)، گرایش اجتماعی در تفاسیر معاصر قرآن مجید، دو فصلنامه تخصصی-پژوهشی/الهیات/اجتماعی، سال دوم، شماره ۳.
- بشیری، حسین، (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی، تهران.
- حسینی میرصفی، سیده فاطمه، (۱۳۹۲)، گرایش‌های اجتماعی در تفاسیر معاصر قرآن کریم، نشر بین‌الملل، تهران.
- الخالدی، صلاح عبدالفتاح، (۱۴۱۴)، سید قطب من المیلاد الی الشهادة، چاپ دمشق.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۲۴)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، انتشارات ناهید، چاپ اول، تهران.
- ذهبی، محمد حسین، (۱۴۱۱)، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، مکتبه وهبه، قاهره.
- _____، (۱۹۷۶)، التفسیر و المفسرون، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- _____، (۱۴۲۱)، التفسیر و المفسرون، مکتبه وهبه.
- رشید رضا، محمد، (بی‌تا)، تفسیر القرآن الکریم، دار المعرفه، بیروت.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۰)، منطق تفسیر قرآن، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ چهارم، قم.
- رومی، فهد بن سلیمان بن عبدالرحمن، (۱۹۸۶)، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، بی‌جا.
- _____، (۱۹۸۶)، منهج المدرسه العقلیه الجدیده فی التفسیر، مؤسسه الرساله، بیروت.
- سیاوشی، کرم، (۱۳۸۸)، تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سید قطب در تفسیر فی ضلال القرآن، چاپ اول، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران.

- سید قطب، ابراهیم بن شاذلی، (۱۴۱۵)، *التصویر الفني فی القرآن*، دار الشروق، بیروت.
- _____، (۱۴۱۲)، *فی ضلال القرآن*، دار الشروق، قاهره.
- _____، (۱۴۲۵)، *فی ضلال القرآن*، دار الشروق، چاپ ۳۵، بیروت.
- شرقاوی، عفت محمد، (۱۹۷۲)، *اتجاهات التفسیر فی مصر فی العصر الحديث*، مطبعه الکیلانی، قاهره.
- شریف، محمد ابراهیم، (۱۹۷۲)، *اتجاهات التفسیر فی التفسیر القرآن الکریم فی مصر*، دار التراث العربی، قاهره.
- صدر، سید محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحوث اسلامیه و مواضع اُخری*، دارالزهراء الطبعة الثالثة، بیروت.
- عبده، محمد، (۱۳۴۱)، *تفسیر القرآن الکریم*، الجمعیه الخیریه الاسلامیه، چاپ سوم، مصر.
- عمّاره، محمد، (۱۹۸۰)، *الاعمال الکامله للامام الشیخ محمد عبده*، الموسسه العربیه، بیروت.
- علوی مهر، حسین، (۱۴۰۰)، «تحلیل بنیان‌های قرآنی تمدن ساز در بیانیه گام دوم با تاکید بر نقد دیدگاه ویل دورانت»، *نشریه قرآن پژوهی خاورشناسان*، شماره ۳۱، صص ۱۰-.
- عنایت، حمید، (۱۳۷۰)، *سیری در اندیشه‌های سیاسی غرب*، نشر امیر کبیر، تهران.
- مطهری، سید مرتضی، (۱۳۷۴)، *نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، صدرا، تهران.
- _____، (۱۳۷۲)، *مجموعه آثار*، نشر صدرا، تهران.
- معرفت، محمد هادی، (۱۴۲۹)، *التفسیر الاثری الجامع*، موسسه تمهید، قم.
- _____، (۱۴۲۵)، *التفسیر و المفسرون فی ثوب التقشيب*، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، مشهد.
- _____، (۱۴۲۸)، *التمهید فی علوم القرآن*، النشر الاسلامیه، قم.
- _____، (۱۳۸۱)، *علوم قرآنی*، نشر موسسه التمهید، قم.
- _____، (۱۳۸۰)، *تفسیر و مفسران*، ترجمه موسسه فرهنگی تمهید، موسسه فرهنگی التمهید، قم.
- موثقی، سید احمد، (۱۳۸۰)، *سید جمال‌الدین اسدآبادی مصلحی متفکر و سیاستمدار*، نشر بوستان کتاب، قم.

_____، (۱۳۷۳)، *علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین از دیدگاه سید جمال اسدآبادی*،

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

نصیری، علی، (۱۳۷۸)، *معرفت قرآنی*؛ یاد نگار آیت الله محمد هادی معرفت، سازمان انتشارات

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.

_____، (۱۳۹۰)، *استاد معرفت احیاگر علوم قرآنی*، نشر وحی و خرد، قم.

نفیسی، شادی، (۱۳۹۳ش)، «تفسیر اجتماعی قرآن؛ تعریف و ویژگی‌ها»، *مجله پژوهشنامه*

تفسیر و زبان قرآن، سال دوم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش.

_____، (۱۳۷۹)، *عقلمگرایی در تفاسیر قرن چهاردهم*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.

Bibliography

Holy Quran, (1382), translated by Nasser Makarem Shirazi, Nasl Javan Publishing House, Qom. [In Persian]

Abu Zeid, Nasr Hamed, (1381), the meaning of the text, translated by Morteza Kariminia, new publishing house, second edition, Tehran. [In Persian]

Ayazi, Seyyed Mohammad Ali, (2016), *Al-Mofson Hayatham and Manhaghham*, Islamic Guidance Culture Center, Tehran. [In Arabic]

Ayazi, Seyyed Mohammad Ali, (2009), article: Social tendency in contemporary interpretations of the Holy Qur'an, two specialized-research quarterly social theology, second year, number 3. [In Persian]

Bashirieh, Hossein, (1374), *Political Sociology*, Nei Publishing House, Tehran. [In Persian]

Hosseini Mir Safi, Seyida Fatemeh, (2013), *Social trends in contemporary interpretations of the Holy Quran*, International Publishing House, Tehran. [In Persian]

Al-Khaldi, Salah Abd al-Fattah, (1414), *Seyyed Qutb Man Al-Milad al-Shahada*, Damascus edition. [In Arabic]

Khorramshahi, Bahauddin, (1324), *Encyclopedia of Quran and Quran Studies*, Nahid Publications, first edition, Tehran. [In Persian]

Dhahabi, Muhammad Hossein, (1411), *Al-Israeliyat Fi al-Tafsir and Hadith*, Maktaba Wahba, Cairo. [In Arabic]

Dhahabi, Muhammad Hossein, (1976), *Al-Tafsir and Al-Mafsirun*, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, Beirut. [In Arabic]

Dhahabi, Muhammad Hossein, (1421), *Al-Tafsir and Al-Mafsirun*, Maktaba Wahbah. [In Arabic]

Rashid Reza, Mohammad, (Beita), *Tafsir al-Qur'an al-Karim*, Dar al-Marafa, Beirut. [In Arabic]

- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (2013), Logic of Qur'an Interpretation, International Translation and Publishing Center of Al-Mustafa, 4th edition, Qom. [In Persian]
- Rumi, Fahd bin Sulaiman bin Abdurrahman, (1986), the trends of interpretation in the 14th century, bija. [In Arabic]
- Rumi, Fahd bin Suleiman bin Abdurrahman, (1986), Manhaj al-Madrasah al-Uqliyyah al-Jadeedah fi al-Tafsir, Al-Rasaleh Institute, Beirut. [In Arabic]
- Siyavoshi, Karam, (2018), critical analysis of the foundations of Seyyed Qutb's exegesis in Tafsir Fi Dhalal al-Qur'an, first edition, International Publishing Company, Tehran. [In Persian]
- Seyyed Qutb, Ibrahim Ibn Shazli, (1415), Al-Thamz Al-Fani Fi Al-Qur'an, Dar al-Sharouq, Beirut. [In Arabic]
- Seyyed Qutb, Ibrahim Ibn Shazli, (1412), Fi Dhalal al-Qur'an, Dar al-Sharouq, Cairo. [In Arabic]
- Seyyed Qutb, (1425), Fi Dhalal al-Qur'an, Dar al-Shoroq, 35th edition, Beirut. [In Arabic]
- Sharqawi, Efat Muhammad, (1972), The trends of interpretation in Egypt in the era of al-Hadith, Al-Gilani Publishing House, Cairo. [In Arabic]
- Sharif, Muhammad Ibrahim, (1972), Tafsir trends in al-Tafsir al-Qur'an al-Karim in Egypt, Dar al-Tarath al-Arabi, Cairo. [In Arabic]
- Sadr, Seyyed Muhammad Baqir, (1403), Islamic researches and other topics, Dar al-Zahra al-Taabiyyah, Beirut. [In Arabic]
- Abda, Muhammad, (1341), Tafsir al-Qur'an al-Karim, Al-Khairiyeh Al-Islamiyya Society, third edition, Egypt. [In Arabic]
- Ammareh, Muhammad, (1980), Al-Amaal al-Kamala of Imam al-Sheikh Muhammad Abdah, Al-Mousseh al-Arabiya, Beirut. [In Arabic]
- Alavi Mehr, H. (2021). [Analysis of the Quranic Foundations of Civilization-Building in the "Second Step Statement" with Emphasis on Critiquing Will Durant's View]. Journal of Orientalists' Quranic Studies, *31*, 10-25. 965.22k. [In Persian]
- Enayat, Hamid, (1370), A Journey into the Political Thoughts of the West, Amir Kabir Publishing House, Tehran. [In Persian]
- Motahari, Seyyed Morteza, (1374), Islamic movements in the last hundred years, Sadra, Tehran. [In Persian]
- Motahhari, M. (1993). Majmueh-ye Asar [Collected Works]. Sadra Publications. [In Persian]
- Marfat, Mohammad Hadi, (1429), al-Tafsir al-Athari al-Jame, Tahmid Institute, Qom. [In Arabic]
- Marafat, Muhammad Hadi, (1425), al-Tafsir wa al-Mafsirun fi Thawb al-Qashib, Al-Jamaeh al-Razwiyyah Lulloom al-Islamiyya, Mashhad. [In Arabic]
- Marfat, Muhammad Hadi, (1428), Al-Tamhid fi Uloom al-Qur'an, Al-Nashr al-Islamiyya, Qom. [In Arabic]
- Marafat, Mohammad Hadi, (1381), Quranic Sciences, published by Al-Tamhid Institute, Qom. [In Persian]

- Marafet, Mohammad Hadi, (2010), Tafsir and Mafsaran, translated by Tamehid Cultural Institute, Tamehid Cultural Institute, Qom. [In Persian]
- Motheghi, Seyyed Ahmad, (2013), Seyyed Jamaluddin Asadabadi, a reformist thinker and politician, Bostan Ketab Publishing House, Qom. [In Persian]
- Motheghi, Seyyed Ahmad, (1373), The causes and factors of the weakness and decline of Muslims from the point of view of Seyyed Jamal Asadabadi, Islamic Culture Publishing House, Tehran. [In Persian]
- Nasiri, Ali, (1378), Quranic knowledge; Memoir of Ayatollah Mohammad Hadi Marafet, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization, Tehran. [In Persian]
- Nasiri, Ali, (1390), the professor of the knowledge of reviving Quranic sciences, publishing of revelation and wisdom, Qom. [In Persian]
- Nafisi, Shadi, (2013), Research Journal of Qur'an Interpretation and Language, second year, number 2, spring and summer 2013.292.25k [In Persian]
- Nafisi, Shadi, (1379), rationalism in interpretations of the 14th century, Qom Islamic Propaganda Office Publishing Center. [In Persian]

